

اسلام یکنفر فرانسوی

در اثر مطالعه يك كتاب و رفتار دو دانشجوی مسلمان

«محمد» و «عدنان» دو جوان دانشجوی مسلمان ، پرشور و با اطلاع بودند که در دانشگاه «بروکسل» در «بلژیک» تحصیل میکردند ، آنها با عده ای از دانشجویان مملکت خود (سوریه) در طبقه دوم آپارتمانی ، نزدیکی دانشگاه منزل داشتند ، اغلب مجالس مذهبی در آنجا تشکیل میشد و محمد و عدنان برای تنظیم برنامه ها و شکوه و جلال هر چه بیشتر این محافل فعالیت میکردند . . .

محمد چند روزی به دمشق مسافرت کرد و هنگام مراجعت تحفه هایی برای همسایگان خود هدیه آورد ، من جمله این سوغاتها حلوائی دمشقی بود که آنها به «پولیت» بانوی فرانسوی که در طبقه اول عمارت سکونت داشت ، هدیه کرد ، بانوی فرانسوی درقبال محبت های محمد شیشه ئی را که با کاغذهای زرورق پوشیده شده بود جلو او گذاشت و از وی خواست که آنها را بپذیرد اما محمد در حالیکه بعلامت احترام و تشکر دست روی سینه خود گذارده بود چنین گفت : من از شما استدعا میکنم که مرا از قبول این هدیه معاف بدارید .

پولیت - خواهش میکنم تعارف نکنید ، این شراب بسیار خوبی است ، از انواع بهترین کنیاک ؟!

محمد - متشکرم . . . ولی من شراب نمی آشامم . .

پولیت - چرا ؟ . . .

محمد - برای اینکه مسلمانم . . .

پولیت - مسلمان ۱۱۹ . . و باشکفتی فراوان بصورت جوان خیره شد ، مثل اینکه میخواست

خصوص این کلمه عجیب ۱ را از چهره محمد درک کند . ولی نگاهش را از صورت محمد

برداشت و در حالیکه چشمان خود را بزمین دوخته بود چنین گفت :

نظافت و پاکیزگی شما از هر جهت قابل تقدیر و ستایش است ولی من تعجب میکنم که چگونه اسلام دعوت بنظافت میکند! چون در بعضی از کتب پیرامون اسلام مطالب غیر معقولی دیده ام ! ...

محمد - نظافت از امتیازات شاخص و برجسته اسلام است و امیدوارم کتابی را که شما مطالعه کرده اید تمم در تحریف حقائق نداشته است !
با نوی فرانسوی در حالیکه تحت تأثیر سخنان محمد قرار گرفته بود گفت :

البته حق اینست که مطالعات من درباره این آئین شرقی ! بسیار ناقص است ولی به مطالعه کتاب مخصوصاً کتب فلسفی و ادبی علاقه دارم .

محمد - آیا مایلید کتابی را درباره اسلام که بسبک ادبی هم نوشته شده است مطالعه کنید ؟ .

پولیت - بسیار خوشوقت خواهم شد . محمد بلافاصله با طاق خود رفت و بیش از دو دقیقه طول نکشید ، در حالیکه کتاب را بدست « پولیت » میداد گفت : این کتاب مقدمه ایست بر کتاب بسیار پر ارزش « اخلاق القرآن » تألیف دانشمند و نویسنده معروف مصری عبداللہ دراز ، مؤلف این کتاب را بمنوان « تیز » دکترای خود از دانشگاه پاریس نگاشته است و من امیدوارم مطالعه آن برای شما بسیار مفید واقع گردد .

شوشکا * * * طاعات فرنگی

شش ماه از این جریان گذشت ، ماه مبارک رمضان با همه خوبیها و برکاتش فرارسیده بود و دانشجویان مسلمان سرگرم عبادات مخصوص این ماه شدند ، روزها روزه می گرفتند و شبها کنفرانسهای مذهبی تشکیل میدادند ، محمد و عدنان منتقد بودند ما باید کاری کنیم که علاوه بر تحکیم مبانی اعتقادی خود و صیانت آنها از گزند زرق و برق زندگی پرغوغای مادی ، چهره درخشان اسلام و حقائق عالیه و جاویدان قرآن را با اندازه توانائی مردم این مرز و بوم نشان دهیم ...

در یکی از روزهای ماه رمضان دو دانشجوی برادر و مسلمان بیاد پولیت افتاده و سراغش رفتند .. محمد با کمال ادب باو سلام کرد و گفت : لا بد آن کتاب را مطالعه فرمودید؟
پولیت - پنج مرتبه ! !

محمد - یاد داشتہائی هم از آن برداشتید ؟

پولیت - خیر حتی یک مطاب آنرا روی کاغذ نیاوردم بلکه همه مندرجات این کتاب را بر صفحه قلبم که هیچوقت محو نخواهد شد ؛ نوشتم . . .

بانوی فرانسوی ساکت شد و دو جوان هم بدون اینکه بایکدیگر حرف بزنند با آنچه که شنیده بودند فکر میکردند .. پولیت سکوت را شکست و بسختی خود اینطور ادامه داد :

من گمان میکردم که تجربیات سابق و مطالعه بعضی کتب اجتماعی و آموزشی مرا از هر گونه تفکر دینی بی نیاز کرده است ، اما مطالعه این کتاب بطور کامل بمن فهماند که تا چه اندازه در حقیقت مذهب ، در نادانی بسر میبرد و این اولین دفعه ای بود که خود را در برابر حقائق الهی یافتم و نمی توانم بگویم تا چه اندازه قلبم آرام گرفت و روحم مطمئن گشت . .

عدنان - قلب انسان مانند قفل دقیقی است که باید با کلید مخصوص خود که همان حقائق الهی است گشوده شود . . .

پولیت - بسیار تعبیر شیرینی است . و راستی انسان بمقام انسانیت نخواهد رسید مگر اینکه قلبش با این حقائق درخشان آشنا گردد .

اکنون عقل و روح و وجدانم با این حقائق مطمئن گردیده و از شما میخواهم راه و ترتیب کردن نهادن باین آئین مقدس را بمن نشان دهید .

محمد - اکنون شما مسلمانید چون بحقانیت اسلام اعتراف کرده و آماده اید با احکام و دستورات آن عمل کنید و حالاً اگر شما این دو شهادت (ان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله) را بر زبان جاری کنید ، یکی برخواهران مسلمان ما افزوده خواهد شد و ما به برادری شما افتخار میکنیم .

پولیت - من شهادت میدهم بوجدانیت پروردگار و از قدیم باین حقیقت اعتراف داشتم و از جان و دل به رسالت محمد (ص) اقرار دارم و معتقدم کسانی این واقعیت روشن را انکار میکنند که عقل خود را گم کرده و فرمان وجدان را نادیده گرفته و یا با حقائق جهان سرچنگ و ستیز دارند «پولیت» سپس ، روبه دو برادر کرد و گفت : بنابراین اکنون من مسلمان شدم ؟

محمد و عدنان - البته . البته .

محمد در حالیکه از خوشحالی در پوست نمی گنجید گفت : با کمال معذرت اجازه می - خواهم عرض کنم که اسلام يك نظام كامل و جامع الاطراف است و در جمیع شئون انسانها دخالت کرده و در کلیه جریانات و وقایع نظر دارد و روی این اصل مسلمان واقعی کسی است که همه جوانب این آئین آسمانی را مورد توجه قرار داده و بتمام دستورات و مقررات فردی ، اجتماعی

و . . . و . . . آن گردن نهد .

پولیت - من از مطالعه کتاب «اخلاق القرآن» به همه این مطالب پی بردم و راه و روش اسلام را از اخلاق و رفتار شما درک کردم ، من متوجه شدم بین اسلام و سایر ادیان فرق بسیار است . رجال کلیسا بین معبد و اجتماع فاصله انداخته ؛ میان لحظات عبادت و سایر مراحل زندگی فرق گذارده اند ، و از تدبیر و دینداری باینکه ساعتی در هفته به کلیسا رفته ؛ اکتفا کرده و خارج از معبد دین را فراموش نموده و هیچگونه احساس مسئولیت نمی کنند. اما اسلامی که من شناختم چنين نیست ، اسلام اینقدر وسعت دارد که تمام روی زمین را معبد میدانند و هر عمل صالحی را عبادت می‌شمرد و میان مسجد و اجتماع اتصالی محکم و متین و غیر قابل تفکیک داده است . . .

از این جهت من تمام وجودم را در اختیار اسلام گذاردم زیرا در اسلام دعوت خدا را یافتم و تصمیم دارم همه اعمال را طبق موازین اسلام انجام دهم .

محمد - اگر چه این احکام زندگی شمارا در گرو کون ساخته و مسیر آن را عوض کند ؟؟ بانوی فرانسوی بطور قاطع جواب داد : اسلام باید مسیر زندگی مرا تغییر دهد و در غیر این صورت بهره من از اسلام چه خواهد بود ؟ راستی شما خیال میکنید من از زندگانی فعلی خود راضی هستم ؟ من یک انسان ضعیف و بیچاره ای بودم که در گرداب نادانی و گمراهی دست و پا می‌زدم ، گرفتاری یک زندگی صد در صد مادی و شیفته تمدنی غلط که تنها جنبه های جسم را ملاحظه میکند و برای مسائل ماوراء ماده ارزش و وزنی قائل نیست بودم. اما آشنائی من با شما و مطالعه کتاب دکتر دراز ، مرا از این ورطه هولناک رها کنید . امروز دیگر به واقعیت انسانی خود پی برده قلبم را مطمئن یافته و قدم در راه راست نهاده ام ، چگونه همه وجودم برای حقائق اسلام خاضع نگردد در حالیکه اسلام مرا از این دره خطرناک نجات داده و براه راستم هدایت فرمود . . .

محمد - بر ما منت گذارده و صمیمانه ترین تبریکاتمان را بپذیرید . سپس عدنان ترتیب و شروع گرفتن ، نماز خواندن ، و روزه ماه مبارک رمضان و بسیاری از واجبات و محرمات اسلام را روی کاغذی نوشته و بدست پولیت داد . .

* * *

. . . بالاخره پولیت از مبلغین و مدافین سرسخت اسلام درآمد و مسیحیت و مذهب

کاتولیک را برای همیشه ترک گفت و همیشه در مواقع مقتضی در نزد دیگران سخن از احکام اسلام میگفت ، یک روز در جواب یکی از آشنایان مسیحی خود که اظهار داشت آنطور که من در کتابها خوانده‌ام از بعضی کشیشها شنیده‌ام ؛ اسلام زن را کوچک شمرده و او را از بسیاری از مزایای انسانی محروم نموده است ! چنین گفت :

این نمونه‌ئی از تهمت‌های بسیار فراوان دشمنان اسلام میباشد اما حقیقت غیر از اینست زن اعتبار انسانی خود را تنها در سایه اسلام بدست آورد ؛ در آن زمان که اسلام مقام عالی و ارجمند زن را بر سمیت شناخت ، ارباب کلیسا درباره‌ی ارزشی قائل نبودند اما بعد از اینکه خورشید تابان تمدن اسلامی از راه اندلس و جنگ‌های صلیبی بر محیط اروپا تابید در افکار خود تجدید نظر کرده و بسیاری از حقوق و مزایای اسلام را پذیرفتند . . . مدتها بعد خواهران مسلمان سنگالی و آلبانی و اندونزی ملاحظه کردند که پولیت در باره یکی از قوانین اجتماعی اسلام کنفرانس میدهد (۱) . . . !

(۱) حضارة الاسلام سال چهارم شماره ۳ و ۴

خود را از اینها حفظ کنید !

حضرت امیر مؤمنان (ع) میفرماید : هر کس خود را از چهار چیز حفظ کند هیچ امر ناپسندی برای او روی نخواهد داد :

- ۱ - شتاب
- ۲ - لجاجت
- ۳ - خودپسندی
- ۴ - تنبلی

(نقل از تحف العقول)